



کلام مرحوم شهیدی

مرحوم شهیدی در هدایة الطالب بحثی مفصل پیرامون کتب تحف العقول کرده و می نویسد:

«إنه قد يقال بل قد قيل بأنه لا بدّ في اعتبار الخبر و حجّيته من اجتماع أمور ثلاثة أحدها كون الخبر مسندا صحيحا أو موثقاً أو حسناً، ثانيها كونه في كتاب متيقّن الانتساب إلى مصنّفه بالتّواتر أو بطريق معتبر غير التّواتر، ثالثها كون مصنّف ذاك الكتاب ثقة مميّزا بين صحيح الخبر و سقيمه و لا أقلّ من اجتماع الأمرين الأخيرين و لا يخفى انتفاؤهما بل انتفاؤهما في هذه الرواية أمّا الأوّل فلا رسالها و أمّا الثّاني فلعدم العلم لا بالتّواتر و لا بالسند الصّحيح أن كتاب تحف العقول كان للحسن و أنّه من مصنّفاته و أمّا الثّالث فلاّنه غير معروف»^۱

توضیح:

۱. برای حجیت یک خبر باید سه شرط موجود باشد:
۲. نخست آنکه خبر مسند صحیح یا مسند موثق و یا مسند حسن باشد.
۳. دوم اینکه خبر در کتابی باشد که استناد آن به مؤلفش متواتر و یا به طریق معتبر دیگری باشد.
۴. نویسنده کتاب هم ثقة باشد و بتواند بین صحیح و سقیم خبر فرق بگذارد.
۵. و لا اقل اگر سه شرط موجود نیست، دو شرط اخیر باشد.
۶. درباره روایت تحف العقول، هر سه شرط یا لا اقل دو شرط آخر موجود نیست. [به عبارت دیگر باید از ما تا صاحب کتاب (شرط دوم) و خود صاحب کتاب (شرط سوم) و از صاحب کتاب تا امام معصوم، سند متصل باشد]

۷. شرط اول نیست چراکه روایت مرسل است.
 ۸. شرط دوم نیست چراکه معلوم نیست کتاب متعلق به ابن شعبه باشد
 ۹. شرط سوم نیست چون ابن شعبه شخصیتی معروف نیست.
- ایشان سپس به بررسی شرط دوم پرداخته و نهایتاً می نویسد:

«إلا أن يقال إنّه لا يلزم في نسبة الكتاب إلى أحد العلم بكونه له بالتّواتر و نحوه بل يكفي الاطمئنان به و ذلك يحصل من نسبة المجلسي قدّس سره له إليه في العبارة المتقدّمة عنه و كذا صاحب الوسائل مع تصريحه بعلمه بصحّة نسبته إليه فإنّه قال في خاتمة الوسائل ما هذا لفظه الفائدة الرّابعة في ذكر الكتب المعتمدة التي نقلت منها أحاديث هذا الكتاب و شهد بصحّتها مؤلّفوها و غيرهم و قامت القرائن على ثبوتها و تواترت عن مؤلّفها أو علمت صحّة نسبتها إليهم بحيث لم يبق فيها شكّ و لا ريب كوجودها بخطوط أكابر العلماء أو تكرّر ذكرها في مصنّفاتهم و



شهادتهم بنسبتهم و موافقة مضامينها لروايات الكتب المتواترة أو نقلها بخبر واحد محفوف بالقرينة و غير ذلك ثم عدّ جملة من الكتب إلى أن قال كتاب تحف العقول عن آل الرسول تأليف الشيخ الصدوق الحسن بن علي بن شعبة انتهى هذا مضافا إلى معروفة نسبته إليه و لو لم يكف ما ذكرنا و كان اللازم في حجية الخبر الموجود في كتاب هو العلم بانتساب الكتاب إلى مصنّفه أو وجود سند معتبر إليه بالنسبة إلى المستدلّ للزم عدم صحة الاستدلال بأكثر كتب الأحاديث بالنسبة إلى أكثر الناس كما هو واضح و هو باطل جزما و بالجملة لا ينبغي الإشكال في كون التحف له قدّس سره^١

توضیح:

۱. برای اینکه کتابی را به کسی نسبت دهیم لازم نیست، تواتر و قرائن علم آور دیگری در کار باشد، بلکه اطمینان کافی است و از سخن مجلسی و صاحب وسائل این اطمینان حاصل می شود ضمن اینکه این نسبت معروف است.
۲. و اگر لازم باشد که علم داشته باشیم به نسبت کتاب به مولف، باید بگوییم اکثر مردم (که علم ندارند) به اکثر کتابهای روایی نمی توانند استدلال کنند و این غلط است.

وی سپس به شرط سوم پرداخته و می نویسد:

«هو واضح و هو باطل جزما و بالجملة لا ينبغي الإشكال في كون التحف له قدّس سره و أمّا مسألة التوثيق فهو و إن كان لا يدلّ عليه المدح المذكور إلّا أنّه يكفي فيه توصيف صاحب الوسائل بأنّه الشيخ الصدوق كما عرفت بل و اعتماده على توثيقه كما في ترجمة المفضل بن عمر و كذا نقله عنه مع التزامه بعدم النّقل عن كتاب لم يثبت كونه معتمدا عليه عنده فضلا عن كونه ضعيفا هو أو مؤلفه حيث إنّه قال في الفائدة المذكورة من الخاتمة بعد ذكر جملة من الكتب التي هذا منها ما هذا لفظه و غير ذلك من الكتب التي صرحنا بأسمائها عند النّقل عنها و يوجد الآن كتب كثيرة من كتب الحديث غير ذلك لكن بعضها لم يصل إلى نسخة صحيحة و بعضها ليس فيه أحكام شرعية يعتدّ بها و بعضها ثبت ضعفه و ضعف مؤلفه و بعضها لم يثبت عندی كونه معتمدا انتهى فلا بدّ أن يكون هذا الكتاب ممّا ثبت عنده قدّس سره قوّته و قوّة مؤلفه أي وثاقته و يمكن الاستفادة ذلك ممّا حكاها في روضات الجنّات عن الفرقة النّاجية من توصيفه بالعمل مضافا إلى توصيفه بالفضل و العلم و الفقه و النّباهة لأنّ المراد من



العمل هو العمل بأحكام الشرع فعلا و تركا و من المعلوم أن هذا موجب للعدالة»^۱

توضیح:

۱. موثق بودن ابن شعبه را نمی توان از مدح علامه مجلسی (کان عالماً فقیهاً محدثاً جلیلاً من مقدّمی اصحابنا)

استفاده کرد ولی می توان از کلمات صاحب وسائل این مطلب را به دست آورد، این موارد عبارت اند از:

- (یک) توثیق ابن شعبه از مفضل بن عمر را پذیرفته.
- (دو) با اینکه ملتزم شده که از کتاب مورد اعتماد نقل کند، از کتاب ابن شعبه نقل کرده (درحالیکه صاحب وسائل می نویسد که کتاب های دیگری داشته که به خاطر: ♦ نسخه غیر صحیح ♦ نبودن احکام شرعی معتد بها در آن ضعیف کتاب ضعیف مولف کتاب عدم اعتماد به آنها، آنها را ترک کرده است).

۲. هم چنین خوانساری از روضات الجنات، ابن شعبه را فردی با عمل (عمل به دستورات شرع) فاضل عالم، فقیه و باهوش معرفی می کند.

مرحوم شهیدی سپس به شرط اول اشاره کرده و می نویسد:

«فلم یبق من وجوه الضّعف إلّا الإرسال و لا یخفی أنّه بما هو لیس سببا للضعف بناء علی ما نسب إلی الأشهر من حجّیة الخبر الموثوق بالصّدور كما أنّ مقابله لا یوجب الاعتبار بل من جهة ملازمته غالباً لعدم حصول الوثوق و حیثینذ یمکن أن یرقال بحصول الوثوق لصدور تلك الروایة من مجموع أمور أحدها توثیق صاحب الوسائل لمؤلف كتاب تحف العقول فإنّ وثاقته تمنع عن حذف الأسناد و الوسائل و نسبة الحديث إلی الإمام ع مع عدم وثوقه بها فلا بدّ من أن تكون موثقة عنده فتأمل فإنّ مجرد وثوقه بها لا یجدی فإنّ اللّازم هو وثوق المستدلّ بالروایة برواتها و لا یحصل ذلك بوثوق المؤلّف بالوسائل المحذوفة ضرورة عدم الملازمة بین وثوق شخص بشخص و بین وثوق شخص آخر به و من هنا یمکن أن یستشکل علی ما هو المعروف بین أرباب الاستدلال من أنّ مراسیل ابن عمیر قدّس سره کمسانیده إذ جلاله شأنه و رفعة منزلته لا یوجب إلّا أنّه لا ینقل إلّا عن من هو یثق به و لا یلازم ذلك لكونه موثقاً به عند کلّ من یستدلّ بها و ثانیها وجوده فی المحکم و المتشابه للسیّد قدّس سره الّذی لا یعمل بخبر الواحد كما فی الحدائق و الجواهر إلّا أنّه قد یمنع عن ذلك فلا بدّ من الملاحظة و ثالثها عمل الأصحاب بمضمونه و الإفتاء بمفاده لكن فیہ أن الّذی ینجبر به الخبر علی تقدیر ضعفه استناد الأصحاب إلیه فی فتواهم لا صرف الموافقة فی المؤدّی و هو غیر معلوم»^۲

توضیح:

۱. مرسل بودن اگر همراه با وثوق به صدور باشد، ضرری به حجیت روایت نمی زند.

۱. هدایة الطالب إلی أسرار المكاسب؛ ج ۱، ص: ۲

۲. هدایة الطالب إلی أسرار المكاسب؛ ج ۱، ص: ۲



۲. وثوق به صدور از اموری حاصل می شود:
۳. (یک) صاحب وسائل، ابن شعبه را توثیق کرده است. و وثاقت او مانع از آن می شده است که بدون اطمینان، خبری را به امام (ع) نسبت دهد در حالیکه وسائط را حذف کرده باشد.
۴. اما این سخن کامل نیست چراکه شاید ابن شعبه به کسی اطمینان داشته ولی ما نداشته باشیم.
۵. (دو) این روایت در رساله محکم و متشابه سید مرتضی هم هست در حالیکه سید مرتضی به خبر واحد عمل نمی کند.
۶. این هم کلام کاملی نیست چراکه: چه بسا سید مرتضی از این مشی تخلف کرده است.
۷. سه) اصحاب به مضمون این روایت عمل کرده اند.
۸. این هم کامل نیست چراکه صرف موافقت فتاوی با یک خبر، خبر را تصحیح نمی کند. بلکه باید استناد اصحاب به یک خبر صورت گرفته باشد.

جمع بندی:

- ۱) حتی اگر ملاک حجیت خبر واحد را وثوق به صدور بدانیم، باز هم راهی برای وثوق به صدور تمام روایات کتاب تحف العقول نداریم.
- این امر درباره روایت مورد بحث هم صادق است، به خصوص که بسیاری از مضامین این روایت اگر هم مورد فتوای اصحاب و دارای شهرت فتوایی باشد، در روایات دیگر نیز موجود است و ممکن است فقهای که به این مضامین، استناد کرده اند، این روایت را به عنوان مؤید و یا مکمل حجیت مسئله مورد اشاره قرار داده باشند.